

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم ویر زنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

ملک الشعراء

استاد محمد نسیم "اسیر"

۳۱ دسمبر ۲۰۱۴

## خوان یغما !!!

امروز امریکا و پیوسته به آن ناتو، اختتام موفقانه «؟» وظیفه جنگی خود در افغانستان را اعلان کردند. اما این سؤال نزد همه باقی ماند، که این دایه های مهربان تر از مادر، چرا آمدند و چه کار موفقانه ای را انجام دادند، که راضی و خرسند بر میگردند؟؟؟ در افغانستان عزیز، تاریخ تکرار میشود. سی و پنج سال پیش، اتحاد شوروی با قشون خون آشام به غرض تسلط بر افغانستان هجوم آورد، اما ده سال بعد، پس از ویرانیهای بنیادی، مادی و معنوی ما، نامردانه پا به فرار و ما را با حوادث ناگوار تنها گذاشت. اینک قشون امریکا و ناتو نیز با همان شیوه پس از ویرانیها و کشتارهای ظالمانه بی گناهان، در حالی که جنگهای تروریستی در هر گوشه به شدت ادامه دارد، رخت سفر میبندند.

هنگام خروج قشون سرخ، سروده ای داشتم که در همان فرصت به دست نشر سپرده شد، از آنجا که با شرایط کنونی نیز سر میخورد، میخواهم با تکرار تاریخ، تکرار خاطره نموده و سروده را با پیش گفتارش یکبار دیگر، چون تکرار حسن از نظر دوستان بگذرانم. با خروج عساکر خون آشام، اتحاد جماهیر شوروی وقت، مردم سلحشور و مجاهد وطن، یک بار دیگر به جهان نشان دادند، که هیچ قدرتی نمیتواند با جبر و اکراه بر ما مسلط گردد. قشون سرخ شکست ناپذیر دولت شوراها سرافکنده و خجالتزده سرزمین دلیران را ترک گفتند و از خود جز تعدادی از وطنفروشان هرزه و ویرانیهای جبران ناپذیر، چیزی باقی نماندند. این شعر به همان مناسبت در فبروری ۱۹۸۹ عیسوی سروده و به دست نشر سپرده شده بود، که اینک به مناسبت یادبود از آن روز سیاه، یک بار دیگر تقدیم دوستداران وطن میگردد:

ستم بنیاد! بر ما ظلم بیجا کردی و رفتی  
پریشانحالی ما را، دوبالا کردی و رفتی

به توپ و تانک و با طیاره و با بمب و راکتها  
بهشت ما، چو دوزخ آتش افزا کردی و رفتی

زدی، کشتی و ویران ساختی و خوردی و بردی  
چو دزدان، ملک ما را خوان یغما کردی و رفتی

بساط هستی ما، از تو برهم خورد، داد از تو  
جفای روشن و ظلم هویدا کردی و رفتی  
شراب آوردی و بزم فساد و عیش رایج شد  
گروهی را به تورت، باده پیمای کردی و رفتی  
به جاسوسی و نمایی، بنای فتنه بنهادی  
به تفتین، خانه ها را بی سر و پا کردی و رفتی  
شعار تو، شعار دوستی و همنوایی بود  
اساس دوستی را، سخت بی پا کردی و رفتی  
به شهر و قریه و ده آتش سوزنده باریدی  
دگرگون باغ و راغ و کوه و صحرا کردی و رفتی  
به نام لینن و هم مارکس بس هنگامه ها کردی  
دو رسوا را، عجب از ریشه رسوا کردی و رفتی  
گره بر کار و بار مردم بیچاره افگندی  
به زعم خویشان، حل معما کردی و رفتی

زدی از صلح و آزادی سخن، آزاده مردم را

"اسیر" درد و محصور تعبها کردی و رفتی

(م. نسیم "اسیر" - بن المان، ۱۵ فبروری ۱۹۸۹ع)